

US-China confrontation on the Belt and Road initiative and study of the role of Iran

Abuzar Gohari Moghaddam

Associate Professor of International Relations, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

gohari@isu.ac.ir

Reza Ansari Bardeh

Corresponding author, MA Student of International Relations, Imam Sadiq University,

Tehran, Iran. Ansarireza313@gmail.com

Abstract

The US-China confrontation has become more visible in recent years. So that the two countries face each other in different regions of the world and in different areas of politics, geopolitics, economy and security. One area of confrontation between the United States and China is the China Belt and Road Initiative, the implementation of which will make China a superior power on land. In this study, we seek to examine Iran's role in confronting the United States and China. The importance of addressing this issue is that Iran is part of the Belt and Road Initiative, and the relationship between the two sides, the United States and China, with Iran is unique in that the United States confronts Iran and China interacts with Iran. The main question of the research is what is the role of Iran in the confrontation between the United States and China under the belt and way initiative? The process of obtaining the answer to the main question has been through expressing the confrontation between the United States and China and then examining whether or not Iran accompanies the parties to the conflict. The result of this study is to explain the role and influence of Iran in the confrontation between the United States and China in the Belt and Road Initiative, and the conclusion that the presence or absence of Iran in this plan will affect the confrontation between the United States and China.

Keywords: *Belt and Road Initiative, Iran, USA, China, Geopolitics*

تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه و بررسی نقش ایران^۱

ابوذر گوهری مقدم

دانشیار روابط بین الملل دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران gohari@isu.ac.ir

رضا انصاری بارده

نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)،

تهران، ایران Ansarireza313@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر تقابل آمریکا و چین شکل نمایان‌تری به خود گرفته است؛ به طوری که دو کشور در مناطق مختلف جهان و در عرصه‌های گوناگون سیاسی، ژئوپلیتیک، اقتصادی و امنیتی با یکدیگر مواجه هستند. یکی از عرصه‌های تقابل آمریکا و چین، ابتکار کمربند و راه چین است که اجرای آن چین را به قدرتی برتر در خشکی تبدیل خواهد کرد. این پژوهش به دنبال بررسی نقش ایران در تقابل آمریکا و چین بوده و پرداختن به این موضوع از آن جهت اهمیت داشته است که ایران بخشی از مسیر ابتکار کمربند و راه است و مناسبات هر دو طرف تقابل یعنی آمریکا و چین با ایران از جهاتی منحصربه‌فرد است: آمریکا در تقابل با ایران و چین در تعامل با ایران. پرسش اصلی پژوهش عبارت بوده است از اینکه «نقش ایران در تقابل آمریکا و چین ذیل ابتکار کمربند و راه چیست؟» این پژوهش با استفاده از داده‌های اسنادی - کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی غیرساختمند و با رویکردی توصیفی - تحلیلی انجام شده و فرایند دست‌یابی به پاسخی برای پرسش اصلی، از طریق تبیین تقابل آمریکا و چین و سپس بررسی همراهی یا عدم همراهی ایران با طرف‌های تقابل بوده است. دستاورد این پژوهش، تبیین نقش و تأثیر ایران در تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه بوده و در پایان نتیجه‌گیری شده است که حضور ایران به‌عنوان عاملی موازنه‌ساز باعث سنگینی کفه تقابل به سود چین خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: /ابتکار کمربند و راه، ایران، آمریکا، چین، ژئوپلیتیک

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۰۹-۲۳۱

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/> است.

مقدمه

قدرت‌گیری و خیزش چین در سال‌های اخیر و طرح‌های بلندپروازانه‌اش برای تثبیت قدرت جهانی موجب به خطر افتادن منافع آمریکا در بسیاری از مناطق جهان و نگرانی این کشور شده است. یکی از کلان‌پروژه‌های چین، «ابتکار کمربند و راه»^۱ است که از سال ۲۰۱۳ در دستور کار این کشور قرار گرفته است؛ طرحی بین‌المللی که چین در مرحله اول با اهداف سیاسی و امنیتی و در مرحله دوم با اهداف اقتصادی، به دنبال اجرای آن است. این پژوهش به ارزیابی تقابل آمریکا و چین ذیل ابتکار کمربند و راه پرداخته، سپس نقش ایران را در این تقابل بررسی خواهد کرد. مسئله پژوهش این است که «ایران چگونه می‌تواند با نقش‌آفرینی در طرح، از تقابل آمریکا و چین به نفع منافع ملی خود استفاده کند و موازنه تقابل را به نفع یا ضرر یکی از طرف‌ها بر هم بزند. تقابل آمریکا و چین از آن جهت حائز اهمیت است که به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود. درک درست این تقابل و ابعاد آن و ظرفیت‌های ابتکار کمربند و راه باعث می‌شود ایران بتواند در تحولات جهانی، حداکثر منافع خود را تأمین کند و بر همین مبنای این پژوهش در صدد است با مشخص کردن ظرفیت‌های ابتکار کمربند و راه، گزینه‌های درست اقدام را به دستگاه‌های متولی سیاست خارجی معرفی نماید. ایران بخشی از مسیر ابتکار کمربند و راه چین است و عدم نقش‌آفرینی و جایابی در این طرح باعث می‌شود، از ظرفیت ایجادشده برای توسعه و رشد کشور استفاده نشود. همچنین از آنجا که آمریکا دشمن شماره یک جمهوری اسلامی بوده

1. Belt and Road Initiative (BRI)

و جمهوری خلق چین از شرکای تجاری اصلی آن است، تحقیق و بررسی تقابل این دو کشور ضرورت می‌یابد و بی‌توجهی به تحولات بین‌المللی باعث آسیب رسیدن به منافع ملی می‌گردد.

هدف این پژوهش ارائه تعریفی از ابتکار کمربند و راه چین و تبیین چیستی تقابل آمریکا و چین ذیل این طرح و جغرافیای آن است؛ ضمن اینکه به نقش ایران در ابتکار کمربند و راه و نقش آن در تقابل آمریکا و چین نیز پرداخته خواهد شد. پرسش اصلی پژوهش چیستی نقش ایران در تقابل آمریکا و چین ذیل ابتکار کمربند و راه است و پرسش‌های فرعی پژوهش آن عبارت‌اند از: «فرصت‌ها و تهدیدهای تقابل آمریکا و چین برای ایران چیست و ایران در ابتکار کمربند و راه چه جایگاهی دارد؟» فرضیه پژوهش بر این اساس است که ایران ظرفیت‌هایی برای نقش‌آفرینی در ابتکار کمربند و راه دارد که می‌توان از آن ظرفیت‌ها برای کاهش فشارهای آمریکا علیه ایران بهره برد و استفاده نکردن از ظرفیت‌ها می‌تواند آن‌ها را به تهدید تبدیل کند. نوآوری پژوهش در پرداختن به نقش ایران در تقابل آمریکا و چین با رویکردی موردی، یعنی تمرکز بر ظرفیت‌های ابتکار کمربند و راه برای ایران است. این پژوهش به دنبال بررسی راهکارهایی است که ایران می‌تواند از تقابل آمریکا و چین در جهت کسب منافع ملی خود استفاده کند. پرداختن به جایگاه ایران در ابتکار کمربند و راه نوآوری دیگر پژوهش است که نگارندگان در این بحث ظرفیت‌های آن طرح را برای رشد منافع کشور بررسی می‌کنند.

۱. چارچوب نظری و مفهومی

۱-۱. چارچوب نظری

رویکرد «واقع‌گرایی»^۱ که از آن با عبارت «مکتب سیاست قدرت» نیز یاد می‌شود، مدتی طولانی به‌عنوان پارادایم غالب در سیاست بین‌الملل مورد استفاده قرار گرفته بود. بی‌تردید واقع‌گرایی مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل بوده است (مشیرزاده، ۱۳۹۹، ص. ۷۳). رهیافت واقع‌گرایی بر چهار فرض استوار است: ۱.

دیدگاه بدبینانه نسبت به ماهیت انسان؛ ۲. روابط بین‌الملل ضرورتاً مناقشه‌آمیز است و جنگ راه‌حل نهایی حل و فصل مناقشات بین‌المللی است؛ ۳. امنیت ملی و بقای دولت بالاترین ارزش‌ها است؛ ۴. بدبینی نسبت به اینکه سیاست بین‌الملل بتواند همانند زندگی سیاسی داخلی پیشرفت کند (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳، ص. ۹۳).

در این بخش پژوهش سعی می‌شود بین دو متغیر «تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه» و «نقش ایران در این تقابل» نسبت سنجی صورت گیرد. واقع‌گرایی چارچوبی است که در آن می‌توان چرایی تقابل آمریکا و چین را به‌طور جامعی تحلیل کرد؛ البته هیچ نظریه‌ای کامل نیست، اما به دلایلی واقع‌گرایی می‌تواند برای تبیین این تقابل نظریه‌ای مطلوب باشد: نخست اینکه سطح تحلیل در این پژوهش دولت است و واقع‌گرایی بر اهمیت دولت و نقش آن در نظام بین‌الملل و همچنین بر قدرت و منافع ملی تأکید دارد (قوام، ۱۳۹۷، ص. ۸۰). این پژوهش هرکدام از دولت‌های آمریکا، چین و ایران را موجودیت‌های مستقلی می‌داند که به دنبال حداکثر سازی منافعشان هستند. در رویکرد واقع‌گرایی نظام بین‌الملل در وضعیت آنارشی قرار دارد که نتیجه آن تلاش دولت‌ها برای حداکثر ساختن منافع خود در مقابل منافع دیگر دولت‌ها و همان بازی با حاصل جبری صفر است. آمریکا و چین دولت‌هایی هستند که هرکدام سعی دارند منافع بیشتری در نظام بین‌الملل برای خود کسب کنند و این امر نیازمند قدرت بیشتر است. قدرت بیشتر در دولت‌ها گاهی از مسیر قدرت سخت و گاه از طریق قدرت نرم کسب می‌شود و قدرت اقتصادی و پیشرو بودن در علم و تکنولوژی جزء اهرم‌های مهم افزایش قدرت آن‌ها است.

الگوی تحلیل در این پژوهش بررسی تقابل آمریکا و چین با رویکرد واقع‌گرایی است. دولت‌های این دو کشور در راستای کسب منافع حداکثری به تقابل با یکدیگر پرداخته‌اند و در این میان ایران برای حفظ بقای خود در مقابل تهدیدات آمریکا، وارد همکاری با چین می‌شود. تقابل آمریکا و چین در فضایی است که دو کشور برای افزایش قدرت خود تلاش می‌کنند و کسب قدرت را نه‌تنها وسیله، بلکه هدفی برای استیلا می‌دانند.

۲-۱. ابتکار کمربند و راه

ابتکار کمربند و راه (BRI) طرحی راهبردی- اقتصادی است که شی جی پینگ، رئیس جمهور چین در سال ۲۰۱۳ رونمایی و اعلام کرد چین به دنبال ایجاد یک کمربند اقتصادی زمینی در امتداد راه ابریشم و یک جاده ابریشم دریایی متناسب با قرن بیست و یکم است (غیاثوند، ۱۳۹۸، ج ۲، ص. ۱۵۵). وی در سخنرانی خود، اهداف ابتکار کمربند و راه را این گونه معرفی کرد:

«حفظ ثبات در همسایگی چین، هدف کلیدی دیپلماسی پیرامونی است. ما باید در فرایند یکپارچه سازی اقتصادی منطقه ای، تسریع ایجاد زیرساخت و اتصال مناطق، مشارکت داشته باشیم و نقش مشوق را ایفا کنیم. ما باید کمربند اقتصادی جاده ابریشم و جاده ابریشم دریایی قرن بیست و یکم را بسازیم و یک نظم اقتصادی منطقه ای جدید ایجاد کنیم» (Xi Jinping's, 25 October 2013).

ابتکار کمربند و راه شامل دو برنامه اصلی با عناوین «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» و «جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱» است. کمربند اقتصادی جاده ابریشم سه مسیر اصلی چین به اروپا، خلیج فارس، مدیترانه و اقیانوس هند را به هم متصل می کند؛ درحالی که جاده ابریشم دریایی قرن ۲۱ بر اساس آبراه های کشورهای عضو ابتکار کمربند و راه است (Md Nazirul, 2018: p624). این طرح دوسوم جمعیت جهان، بیش از ۶۵ کشور جهان و ۲۱ تریلیون دلار از تولید ناخالص جهانی را شامل می شود (رضاپور و سیمبر، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۸). چشم انداز چین برای پیشبرد این طرح، اتصال سرزمین های کمتر توسعه یافته مرکزی و شرقی چین به کشورهای همسایه در آسیای مرکزی و از طریق آنها ایجاد مسیری تجاری به سمت اروپا بود. چین ابتکار بین المللی احیای جاده ابریشم را به منظور ایجاد پیوندهای اقتصادی، تجاری، زیرساختی و انرژی با ده ها کشور جهان مطرح و دنبال کرده است (میرترابی و ترکی، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۸). طرح چین ماهیتی اقتصادی، ژئواستراتژیک دارد و چند هدف کلان را دنبال می کند: نخست، توسعه بیشتر منطقه ای، از طریق ادغام با اقتصاد کشورهای همسایه؛ دوم، ارتقای صنعتی چین

همراه با صدور استانداردهای این کشور؛ سوم، حل مشکل ظرفیت مازاد تولید و بازار هدف (غیاثوند، ۱۳۹۸: ج ۲، ص. ۱۶۱). انگیزه‌های چین برای اجرای ابتکار کمربند و راه طبق آنچه در سیزدهمین سند توسعه پنج ساله چین (China's thirteenth five-year plan, 2016) آمده است، عبارت‌اند از:

- ایجاد قابلیت اتصال به آسیای غربی و اروپا؛
- ایجاد گشایش اقتصادی؛
- دستیابی به توسعه پایدار؛
- دستیابی به منابع انرژی و امنیت غذایی پایدار؛
- توسعه داخلی متوازن‌تر؛
- جابه‌جایی صنایع با فناوری پایین به خارج از کشور.

۱-۲-۱. جغرافیای ابتکار کمربند و راه

استراتژی توسعه ابتکار کمربند و راه ایجاد ارتباط و همکاری در شش کریدور اصلی اقتصادی را در بر می‌گیرد. کریدورهای ابتکار کمربند و راه عبارت‌اند از:

۱. مسیر زمینی اوراسیای جدید: شامل راه‌آهن به اروپا از طریق قزاقستان، روسیه، بلاروس و لهستان؛
۲. کریدور اقتصادی چین، مغولستان، روسیه: اتصال چین به روسیه و از آنجا به اروپای غربی از طریق خط آهن؛
۳. کریدور اقتصادی چین، آسیای میانه، غرب آسیا: اتصال به قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و ترکیه؛
۴. کریدور اقتصادی شبه‌قاره و هندوچین: ویتنام، تایلند، جمهوری دموکراتیک خلق لائوس، کامبوج، میانمار و مالزی؛
۵. کریدور اقتصادی چین، پاکستان با بیشترین تأثیر بر استان سین‌کیانگ: پیوندهنده سین‌کیانگ محصور در خشکی از طریق شهر کاشغر (منطقه آزاد اقتصادی) با بندر گوادر پاکستان (بندری با آب عمیق که برای اهداف تجاری و نظامی استفاده می‌شود)؛
۶. کریدور اقتصادی چین، بنگلادش، هند، میانمار: به دلیل بی‌اعتمادی به

مسائل امنیتی بین هند و چین، این مسیر احتمالاً کندتر پیش می‌رود (OECD, 2018, p 11).



تصویر ۱. مسیرهای شش‌گانه طرح یک کمربند، یک جاده چین (منبع: OECD, 2018)

۲-۲-۱. بودجه پروژه‌های اتصال در طرح کمربند و جاده

بانک توسعه چین، ۴۰ میلیارد دلار از صندوق راه ابریشم و دو بانک تجاری بزرگ دولتی منابع اصلی تأمین اعتبار عمده پروژه‌های طرح کمربند و جاده است و در وضعیت کنونی چین برای اجرای این طرح مشکل بودجه ندارد. بانک توسعه چین از ۴۰۰ پروژه در ۳۷ اقتصاد به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار پشتیبانی و پروژه‌های بالقوه متعددی را ردیابی می‌کند (OECD, 2018, p 20).

۲-۲-۱. تفاوت «ابتکار کمربند و راه» چین با «طرح راه ابریشم جدید» آمریکا

در سال ۲۰۱۱ کلیتون، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا درباره مزایای تعاملات اقتصادی آسیای مرکزی از جمله کشورهای افغانستان و پاکستان، با کشورهای

جنوب شرق آسیا به این نکته اشاره کرد که افزایش تعاملات اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی با دیگر کشورهای آسیایی، به ویژه کشورهای شرق آسیا می‌تواند باعث دستیابی به توسعه پایدار در این کشورها شود (Clinton, 2011). ایده‌ای که کلیتون در نشست وزیران جاده ابریشم جدید در نیویورک مطرح کرد، یک طرح آمریکایی برای همگرا کردن شرکای آسیایی بود. در سال‌های اخیر حجم سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی چین در زمینه ابتکار کمربند و راه به‌اندازه‌ای بوده است که اگر آمریکا بخواهد طرح راه ابریشم جدید را اجرا کند، تنها در صورتی امکان فعالیت مؤثر خواهد داشت که همراهی چین را نیز به دست آورد. بر این اساس آمریکا برای اجرایی کردن ایده خود نیز نیازمند همراهی و همکاری چین است (Zimmerman, 2015:p 19).

۲. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه نخبگانی غیرساختمند انجام شده است. در روش مصاحبه نخبگانی اطلاعات هر نخبه متفاوت با نخبه دیگر است و به همین دلیل امکان مصاحبه ساختمند وجود ندارد. در مصاحبه غیرساختمند رویکرد مثبتی نسبت به درک مصاحبه‌شونده از پدیده‌های سیاسی اطرافش وجود دارد (منوچهری و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱۹۳). پژوهشگران تا دست یافتن به اشباع داده‌ای مصاحبه با نخبگان را ادامه داده و سپس با استفاده از الگوی تحلیل، داده‌های به‌دست‌آمده را به کار گرفته‌اند. اشباع داده‌ای زمانی حاصل می‌شود که مصاحبه‌های جدید ایده یا داده متمایزی نسبت به مصاحبه‌های انجام‌شده در اختیار پژوهشگر قرار نمی‌دهد. محورهای مصاحبه طرح پرسش‌هایی درباره جایگاه سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران در ابتکار کمربند و راه بوده است. در این خصوص سعی شده است دیدگاه‌های کارشناسان حوزه‌های مختلف در این بررسی شود. اسامی و حوزه تخصصی مصاحبه‌شوندگان به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. اسامی و تخصص مصاحبه‌شوندگان

نام مصاحبه‌شونده	تخصص
دکتر محمدباقر خرمشاد	دبیر شورای راهبری روابط خارجی
دکتر مصطفی دولتیبار	دیپلمات ارشد وزارت امور خارجه
آقای علیرضا رودگر	دیپلمات وزارت امور خارجه مستقر در پکن
آقای منصور صالح‌فرد	کارشناس ارشد امور بین‌الملل
دکتر ابوالفضل علمایی‌فر	دیپلمات ارشد وزارت امور خارجه و رئیس اداره چین
دکتر ابوالفضل عمویی	نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی
دکتر عیسی کاملی	دیپلمات ارشد و رئیس اداره اول آمریکای شمالی
دکتر حسین محمدی سبیرت	استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

۳. تقابل آمریکا و چین

ابتکار کمربند و راه بخشی از ژئوپلیتیک جهانی را در بر می‌گیرد که در واقع قسمتی از تقابل کلان دو کشور در عرصه جهانی است. طابنده و متقی (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که استراتژی کلان سیاست خارجی چین متأثر از دو مؤلفه است: نخست، تقویت ثبات در محیط امنیتی چین؛ دوم جذب منابع بین‌المللی لازم جهت پیشبرد فرایند توسعه اقتصادی. تقابل آمریکا و چین را در حوزه‌های مختلفی می‌توان بررسی کرد که در ادامه این پژوهش به برخی از تقابل‌های مهم مورد اشاره در مصاحبه‌های نخبگانی پرداخته شده است.

۳-۱. تقابل سیاسی آمریکا و چین

یکی از دلایل سیاسی اجرای ابتکار کمربند و راه برای چین، ایجاد بازدارندگی سیاسی مقابل آمریکا است (علمایی‌فر، ۱۴۰۰). آمریکا در ائتلاف‌سازی با همسایگان چین به دنبال مهار قدرت چین در منطقه شرق آسیا و در عرصه بین‌المللی به دنبال تشویق کشورها به مخالفت با سیاست‌های چین است. اجرای موفق ابتکار کمربند و راه به معنای افزایش نفوذ سیاسی چین در کشورهای مشارکت‌کننده در این طرح است. آمریکا تلاش می‌کند با استفاده از نفوذ خود در کشورهای مسیر این طرح، از کشورهای آسیای میانه همچون تاجیکستان تا کشورهای اروپایی، از حضور بیشتر چین در این کشورها جلوگیری کند. تلاش برای جلوگیری از افزایش نفوذ چین در اسناد بالادستی آمریکا بیان شده است. در اسناد امنیت ملی آمریکا (NSS) اهمیت روزافزون مسئله چین در این اسناد از

سال ۲۰۱۰ مشاهده می‌شد؛ به طوری که این اهمیت در دوران ترامپ به اوج خود رسید و ترامپ در سند استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ رویکردی تهاجمی در مقابل چین اتخاذ کرد (NSS, 2017, p 25). بایدن نیز به‌رغم داشتن اختلاف نظرهایی با دولت قبلی، همچنان معتقد به مهار چین است. با استخراج دستورالعمل آینده بایدن در مواجهه با چین از سند امنیت ملی ۲۰۲۱ می‌توان آن را در چند محور زیر بیان کرد (NSS, 2021):

- تأکید بر ترویج ارزش‌های آمریکایی همچون دموکراسی در مقابل نظام

کمونیستی چین؛

- تأکید بر اینکه آمریکا همچنان هژمون نظام بین‌الملل است؛
- تقویت شبکه متحدان دفاعی آمریکا در مقابل چین؛
- پیشبرد دیپلماسی عمل‌گرا با چین؛
- همکاری با چین در موضوعات مشترک همچون آب‌وهوا و خلع سلاح.

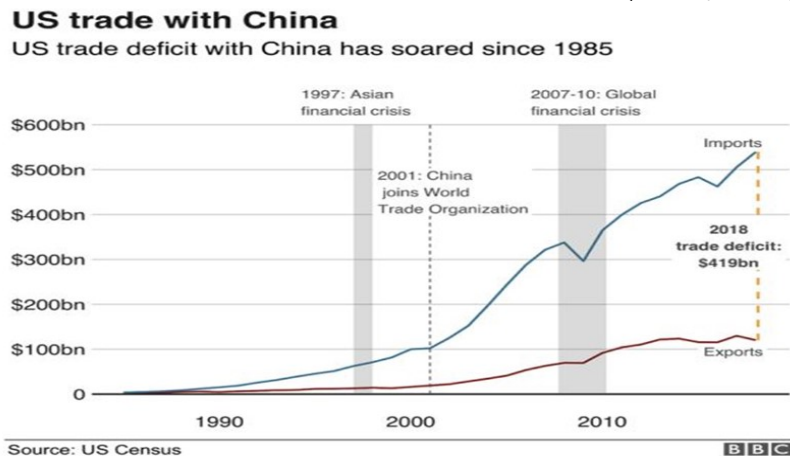
۳-۲. تقابل ژئوپلیتیک آمریکا و چین

عمده تقابل ژئوپلیتیک آمریکا و چین در مرزهای شرقی چین است و یکی از دلایل مهم چین برای پیشبرد ایده کمر بند و راه، خروج از بن‌بست ژئوپلیتیکی است که آمریکا در سواحل شرقی چین ایجاد کرده است. آمریکا حضور نظامی پررنگی در منطقه شرق آسیا دارد. یکی از اصلی‌ترین علل حضور آمریکا در این منطقه مشغول کردن چین در محیط پیرامونی‌اش است. آمریکا متحدانی در منطقه شرق آسیا دارد که با قدرت گرفتن چین احساس خطر می‌کنند؛ در نتیجه حضور نظامی آمریکا در منطقه علاوه بر کمک به تأمین امنیت آن‌ها، باعث تمرکز بخش عمده‌ای از توان و ظرفیت چین در محیط پیرامونی‌اش می‌شود و از برخی ماجراجویی‌های جهانی چین جلوگیری می‌کند. به همین دلیل این دیدگاه مطرح می‌شود که چین از حضور نظامی آمریکا در سایر مناطق جهان از جمله خاورمیانه استقبال می‌کند، زیرا باعث می‌گردد آمریکا با ظرفیت کمتری در شرق آسیا حضور داشته باشد. «کاپلان» از اندیشمندان روابط بین‌الملل معتقد است: «همان‌طور که سرزمین آلمان خط مقدم نظامی جنگ سرد را شامل می‌شد، آب‌های دریای جنوبی چین ممکن است خط مقدم نظامی مناقشه بزرگ دهه‌های آینده را شکل دهند...» (Kaplan, 2016). ضمن اینکه مذاکره چین با

بازیگران حاضر در این دریا، می‌تواند نظام بین‌الملل را دگرگون سازد (Indyk & Hanlon, ۲۰۱۲). با این حال تقابل ژئوپلیتیک دو کشور تنها در شرق آسیا محصور نیست، بلکه عملاً در همه مناطق جهان از جمله آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین و حتی اروپا تسری پیدا کرده است؛ به طوری که در سال ۲۰۲۰ بسیاری از متحدان سنتی آمریکا از جمله انگلستان و اتحادیه اروپا، بازارهای خود را تسخیر شده توسط کالاهای چینی یافتند و امروز چین تبدیل به یکی از اصلی‌ترین شرکای تجاری آنها شده است (Trubowitz, 2021).

۳-۳. تقابل اقتصادی آمریکا و چین

دونالد ترامپ از آغاز ریاست جمهوری خود در آمریکا، قاطعانه به سمت این دیدگاه حرکت کرد که سهم چین از بازار آمریکا را کاهش دهد. او معتقد بود چین با هزینه آمریکا اقتصاد خود را ساخته و به دنبال تغییر این وضعیت بوده است (Dupont, 2020, p 4). او استدلال کرد که شیوه‌های تجاری چین به تولید آمریکا آسیب رسانده و به طور نااعدلانه صادرات مزارع آمریکا را محدود ساخته است. ترامپ اعلام کرد: «ما در حال حاضر این موضوع را برای چین روشن کرده‌ایم که پس از سال‌ها هدف قرار دادن صنایع ما و سرقت مالکیت معنوی، سرقت مشاغل و ثروت آمریکا به پایان رسیده است» (Dupont, 2020, p 5).



نمودار ۱. تراز تجاری صادرات و واردات آمریکا - چین (منبع: BBC)

تقابل اقتصادی آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه از آن جهت است که هر چه حضور و نفوذ چین در بازار کشورهای مسیر این طرح بیشتر شود، از حضور و نفوذ آمریکا کاسته خواهد شد. از سوی دیگر، تعاملات اقتصادی میان دو کشور به گونه‌ای است که آمریکا به راحتی نمی‌تواند دست به تحریم چین بزند، همان‌طور که اقدام ترامپ در وضع تعرفه تجاری اقدام موفق‌آمیزی نبوده است. با توجه به گستره دامنه ابتکار کمربند و راه، آمریکا نه تنها نگران از دست دادن بازار کشورهای آسیایی بلکه نگران از دست دادن شراکت تجاری با متحدان اروپایی خود است (عموی، ۱۴۰۰). حضور اقتصادی چین در کشورهای هدف در ابتکار کمربند و راه اغلب با سرمایه‌گذاری چین در آن کشورها همراه است؛ فعالیت‌هایی که راه را برای ورود کالاهای چینی و در نتیجه به دست گرفتن بازار آن کشورها هموار می‌سازد و برای آمریکا ناخوشایند است. می‌توان گفت تقابل اقتصادی آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه متأثر از تقابل کلان این دو کشور در میزان بهره‌مندی از مؤلفه‌های قدرت است (علمایی فر، ۱۴۰۰).

۳-۴. تقابل امنیتی آمریکا و چین

ابتکار کمربند و راه به چین اجازه حضور نظامی بیشتر در سایر کشورهای آسیای مرکزی را می‌دهد. برای توجه به انگیزه چین برای افزایش قدرت نظامی باید به هزینه‌های این کشور در حوزه نظامی توجه کنیم. هزینه‌های نظامی چین از سال ۱۹۸۹ تاکنون، نزدیک به ۲ درصد GDP این کشور را به خود اختصاص داده است؛ در حالی که این رقم برای آمریکا در زمان مشابه حدود ۴ درصد GDP بوده است (باقی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۶). باید این اعداد را که گویای رویکرد تهاجمی آمریکا و رویکرد تدافعی چین در حوزه نظامی‌گری است، با توجه به میزان رشد سالانه اقتصاد کشورها سنجید. به نظر می‌رسد تا سال ۲۰۴۰ با توجه به سرعت رشد اقتصادی این دو کشور، چین بتواند در رقابت تسلیحاتی هم برای آمریکا خطری به مراتب جدی‌تر از امروز باشد. ابتکار کمربند و راه از آن جهت که برای چین سود سرشاری را به دنبال خواهد داشت، زمینه تقویت توان دفاعی چین و حضور این کشور را در برخی از کشورهای مسیر کمربند و راه فراهم می‌کند. در صورتی

که چین بتواند حضور امنیتی و نظامی خود را در کشورهای آسیای مرکزی تثبیت سازد، عرصه برای حضور و اثرگذاری آمریکا در این مناطق کاهش و نفوذ فرامنطقه‌ای چین افزایش خواهد یافت. آمریکا به‌عنوان قدرت برتر در زمینه نظامی و تسلیحاتی خواهان امنیت مطلق به نفع متحدانش در منطقه شرق آسیا است؛ درحالی‌که به اعتقاد چین وقتی یک کشور تلاش می‌کند امنیت خود را افزایش دهد باعث گسترش ناامنی برای سایرین در منطقه می‌شود (خضری، ۱۳۹۰، ص. ۶۰). ابتکار کمربند و راه باعث افزایش نفوذ امنیتی چین در محیط پیرامونی خود از جمله مناطق غربی آن می‌شود و در نتیجه اهرم‌های آمریکا برای مهار این کشور محدودتر خواهد شد (علمایی فر، ۱۴۰۰).

۴. بررسی نقش ایران در تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه

۴-۱. نقش سیاسی ایران

قرار گرفتن و همکاری جمهوری اسلامی در طرح کمربند و جاده، عامل مهمی برای نتیجه‌بخشی این طرح در منطقه غرب آسیا است. اهمیت سیاسی ایران در طرح کمربند و جاده هم برای طرف چینی و هم برای طرف آمریکایی قابل توجه است. چین می‌داند که ایران یکی از اصلی‌ترین مخالفان سیاست‌های آمریکا در جهان و در منطقه غرب آسیا است. به اعتقاد شریعتی‌نیا (۱۳۹۱) در روابط سیاسی دو کشور عوامل هم‌پوشانی متعددی وجود دارد، از جمله: مبادلات اقتصادی و نظامی و همکاری در حوزه انرژی. حضور ایران در طرح کمربند و جاده از آن جهت که ایران زیر نفوذ آمریکا نیست، می‌تواند در پیشبرد این طرح مؤثر واقع شود؛ زیرا اغلب کشورهای چینی با آن‌ها در منطقه همکاری می‌کند، متحدان آمریکا به شمار می‌روند و چین می‌داند اگر این کشورها مجبور شوند بین آمریکا و چین یکی را انتخاب کنند، به‌احتمال زیاد آمریکا را انتخاب خواهند کرد، در صورتی که در مورد ایران این‌گونه نیست (عموئی، ۱۴۰۰). ایران نه تنها با هژمونی جهانی آمریکا مخالف است، بلکه تلاش می‌کند تا سایر کشورها را نیز به این موضوع توجه دهد که نظم آمریکایی نظم مطلوب جهانی نیست.

ایران حتی در برخی موضوعات سیاسی همچون توافق‌نامه هسته‌ای یا برجام (JCPOA) تلاش کرده است متحدان اروپایی آمریکا را به اتخاذ تصمیمات مستقل از آمریکا ترغیب و تشویق کند. ایران به‌طورکلی در جهت منافع چین و طرح کمربند و جاده نیز همین رویکرد را دارد؛ زیرا اروپا مقصد نهایی طرح کمربند و جاده است و آمریکا به‌طور مستمر در تلاش است تا اروپا را از همکاری گسترده و راهبردی با چین باز دارد (کاملی، ۱۴۰۰). پس می‌توان تلاش ایران در جهت تضعیف هژمونی آمریکا و تشویق سایر کشورها به اتخاذ سیاست‌های مستقل از آمریکا را بخشی از اهمیت سیاسی ایران برای طرح کمربند و جاده بیان کرد. این اثرگذاری در سطح جهانی و فارغ از رویکرد منطقه‌ای بوده، اما حضور ایران در طرح کمربند و جاده در سطح منطقه‌ای نیز مهم است.

۴-۲. نقش ژئوپلیتیک ایران

ژئوپلیتیک از مسائل مهم طرح کمربند و جاده و مسیر زمینی این طرح متأثر از ژئوپلیتیک جهانی است. بر این اساس، چین به دنبال استفاده از ظرفیت ژئوپلیتیک برای سرعت در تجارت است. ایران کشوری بزرگ با عمق استراتژیک بوده و دسترسی به دریا در جنوب و شمال و همچنین پل ارتباطی شرق به غرب از راه خشکی ایران را به چهارراه منطقه تبدیل کرده است. نزدیکی ایران به اقیانوس هند این امکان را فراهم می‌سازد که چین در مسیر دریایی طرح کمربند و جاده نیز از موقعیت ایران کمک بگیرد (محمدی سیرت، ۱۴۰۰).

ایران ۱۵ همسایه دارد و موقعیت جغرافیایی آن به صورتی است که قابلیت تبدیل به مرکز تجاری منطقه غرب آسیا را دارد. بندرهای با قابلیت پهلو گرفتن کشتی‌های بزرگ تجاری و راه‌های ریلی و جاده‌ای گسترده در داخل کشور، از مهم‌ترین ظرفیت‌های ارتباطی ایران هستند و ایران می‌تواند مسیری امن و سریع برای انتقال کالا از جنوب به شمال و از شرق به غرب باشد (صالح‌فرد، ۱۴۰۰). مسئله دیگر درباره اهمیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی، ظرفیت ایران در انتقال انرژی است که در سال‌های اخیر به دلیل تنش‌های بین ایران و غرب بر سر مسئله هسته‌ای همواره از آن غفلت شده است؛ در صورتی که فعال شدن این ظرفیت

نه تنها باعث ارتقای جایگاه ایران در مسئله انتقال انرژی خواهد شد، بلکه برای طرف چینی نیز آورده بالایی خواهد داشت. کشورهای شمال ایران همچون ترکمنستان و آذربایجان تولیدکننده گاز و نفت هستند و برای صادرات به مسیری نیاز دارند تا آنها را به آب‌های آزاد متصل کند و ایران یکی از نزدیک‌ترین و ارزان‌ترین مسیرها برای این امر است. در صورتی که ایران در ابتکار کمربند و راه حضور فعالی پیدا کند و زیرساخت‌های بنادر، ریلی و زمینی ایران در مسیر انتقال به‌کارگیری شوند، در کنار آن می‌توان بر ظرفیت ایران برای انتقال انرژی نیز تأکید و تلاش کرد تا این ظرفیت نیز فعال گردد (دولتیار، ۱۴۰۰).

برخی معتقدند مسیر اصلی ترانزیت در طرح کمربند و جاده نه از ایران، بلکه از روی دریای خزر، از مسیر دریایی و از بالای دریای خزر از طریق زمینی و ریلی است و ایران به لحاظ ژئوپلیتیک نقش مهمی در این طرح نخواهد داشت. در پاسخ به این موضوع باید گفت، چین می‌داند برای موفقیت طرح کمربند و جاده نباید بر یک مسیر تکیه کند و لازم است مسیرهای جایگزین و موازی برای ترانزیت شرق به غرب در نظر داشته باشد. دوم، مخاطب طرح کمربند و جاده تنها کشورهای اروپایی نیستند که برای چین مهم نباشد از چه مسیری کالا را به اروپا ترانزیت کند، بلکه بخش عمده‌ای از بازار هدف چین، کشورهای مسیر طرح هستند. عبور مسیر ترانزیت به اروپا از روسیه و دریای خزر می‌تواند کالای چین را به اروپا برساند، اما این موضوع ظرفیتی در بازار غرب آسیا و خلیج فارس برای چین ایجاد نمی‌کند.

بنابراین سیاست چین در طرح کمربند و جاده رشد همه مسیرها به موازات یکدیگر است. مسیر ایران نیز به دلایلی که به آن‌ها اشاره شد، مسیری بدون جایگزین است؛ به طوری که اگر چین به هر دلیلی از این مسیر صرف نظر کند، پیش از همه، خودش ضرر خواهد کرد. حتی اگر چین بخواهد مسیر ایران را با دیگر همسایه‌های آن جایگزین کند باز هم به دو مشکل اساسی مواجه خواهد شد: نخست، بحث امنیت و زیرساخت است که کشورهای همسایه در برخی موارد هنوز دچار مشکلات حاد امنیتی هستند و ظرفیت زیرساختی آن‌ها اجازه شرکت

فعال در ابتکار کمربند و راه را به آن‌ها نخواهد داد (رودگر، ۱۴۰۰). به‌عنوان مثال ایران می‌تواند اصلی‌ترین مسیر صادرات به عراق، اقلیم کردستان عراق و سوریه باشد. مسیرهای دیگر در طرح کمربند و جاده هیچ‌کدام به‌اندازه ایران آمادگی لازم برای ایجاد کریدور تجاری به این دو کشور را ندارند؛ و دوم اینکه دور زدن بازار ایران چین را از منافع تجاری آن بی‌نصیب می‌کند و حتی ممکن است در موضع‌گیری سیاسی ایران نسبت به همکاری با غرب نیز اثرگذار باشد.

۴-۳. نقش اقتصادی ایران

اهمیت اقتصادی حضور ایران در طرح کمربند و جاده متأثر از تنش‌های موجود بین ایران و آمریکا است. آمریکایی‌ها در سال‌های اخیر و با رویکرد فشار حداکثری و تحریم، تلاش کرده‌اند تا مزیت‌های اقتصادی ایران را تحت الشعاع قرار دهند. این رویکرد آمریکا باعث شده است این کشور بیش از چهار دهه از بازار ایران دور باشد؛ پس برای آمریکا قابل‌پذیرش نیست که کشورهای دیگر و به‌خصوص چین از منفعت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بهره‌مند شوند. طرح کمربند و جاده به‌طور عام و قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین به‌طور خاص، آمریکا را متوجه این موضوع کرده است که هر چه بیشتر خود را از بازار ایران کنار بگذارد، بازگشت به بازار ایران برایش دشوارتر خواهد شد. با این حال فشار لابی‌ها و گروه‌های فشار باعث شده است این کشور نتواند تصمیمی در راستای منافع ملی خود اتخاذ کند و سیاست‌های ضد ایرانی دولت آمریکا همچنان ادامه دارد (دولتیار، ۱۴۰۰).

درحالی‌که آمریکا به دنبال سیاست مهار اقتصادی چین و فشار اقتصادی به ایران است، حضور ایران در ابتکار کمربند و راه می‌تواند نقش مؤثری در خنثی‌سازی سیاست‌های آمریکا علیه ایران و چین داشته باشد. بخشی از برنامه چین در ابتکار کمربند و راه انتقال تکنولوژی به کشورهای عضو این طرح و سرمایه‌گذاری در آن کشورها است. ایران می‌تواند محل مناسبی برای سرمایه‌گذاری شرکت‌ها و بانک‌های چینی باشد. این سرمایه‌گذاری با انتقال تکنولوژی به ایران همراه خواهد بود که هم باعث ارتقای توان تکنولوژیک ایران در برخی حوزه‌ها خواهد شد و هم می‌تواند بازار منطقه غرب آسیا را پوشش

دهد. ایران در حوزه‌هایی همچون هوافضا، صنایع نظامی، پزشکی، صنایع سنگین و فولاد نیز می‌تواند با چین همکاری داشته باشد؛ بسته به اینکه موضوع مورد نظر برای همکاری چگونه تعریف شود تا منافع طرفین را به دنبال داشته باشد (علمایی فر، ۱۴۰۰) و در مقابل ایران می‌تواند صادرات برخی منابع معدنی و صنعتی و منابع انرژی را به چین انجام دهد.

طبق پیش‌بینی‌ها چین تا دو دهه آینده مصرف‌کننده عمده انرژی در جهان خواهد بود و نیاز فراوانی به واردات انرژی از دیگر کشورها خواهد داشت. بخش عمده‌ای از نفت مورد نیاز چین از خلیج فارس تأمین می‌شود که عمدتاً کشورهای هم‌پیمان آمریکا هستند. امنیت انرژی مسئله‌ای مهم برای طرف چینی است. پیشتر بیان شد که یکی از دلایل چین برای تمایل نداشتن به ایجاد تنش کنترل‌نشده در غرب آسیا، نگرانی از پیامدهای آن، از جمله افزایش قیمت انرژی است (عمویی، ۱۴۰۰). چین می‌داند که باید به منابع انرژی مطمئنی دست پیدا کند که فشارهای سیاسی نتواند به راحتی دسترسی‌اش را به آن منابع قطع کند؛ به همین دلیل در حوزه انرژی همواره همکاری پایداری با ایران داشته است. ایران تنها کشوری در منطقه است که از سیاست‌ها و تصمیمات آمریکا تأثیرپذیر نیست؛ پس همکاری ایران و چین در حوزه انرژی می‌تواند در راستای منافع بلندمدت دو کشور نیز تعریف شود (خرمشاد، ۱۴۰۰)؛ اما مسئله دیگر این است که صادرات ایران به چین عمدتاً منحصر در خام‌فروشی است؛ هم خام‌فروشی انرژی و هم خام‌فروشی مواد معدنی. آنچه در بلندمدت می‌تواند منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تأمین کند، تغییر رویکرد در صادرات از خام‌فروشی به صادرات موادی با ارزش افزوده است؛ این موضوع نه برای چین بلکه در نسبت با دیگر کشورها نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

۴-۴. نقش امنیتی ایران

تجارت و بازرگانی ارتباط مستقیمی با امنیت دارد. هر چه امنیت بیشتر باشد تجارت افزایش پیدا می‌کند و هر چه امنیت کاهش پیدا کند، تجارت نیز کاهش می‌یابد. البته برخی تجارت‌ها که ناشی از ناامنی هستند، همچون تجارت تسلیحات

و... وضعیت دیگری دارند، اما عموماً تجارت و تولید در شرایط امن رونق پیدا می کند.

برخی از کشورهای مسیر این طرح از جمله پاکستان، افغانستان و مناطقی در آسیای میانه همچون چین، با مشکلات امنیتی مواجه بوده‌اند. عبور ابتکار کمربند و راه از این مسیرها می‌تواند در ورود کشور چین به تأمین امنیت این مناطق مؤثر باشد. در منطقه غرب آسیا نیز مشکل امنیت و کمبود امنیت، اصلی‌ترین مانع برای توسعه زیرساختی و تجاری کشورهای منطقه بوده است. ایران در سال‌های گذشته نقش مهمی در کمک به تأمین امنیت منطقه داشته که کمک به عراق و سوریه در پیروزی بر گروه‌های تروریستی از جمله آن‌ها بوده است. چین می‌داند برای تجارت در منطقه نیازمند امنیت است؛ زیرا قبل از این کشور شرکت‌های آمریکایی به دنبال حضور در بازار و اقتصاد کشورهایی همچون عراق بودند، اما فقدان امنیت باعث شد تا این شرکت‌ها ریسک حضور در عراق را نپذیرند و خود را از بازار عراق کنار بکشند. چین برای اینکه به مشکل شرکت‌های آمریکایی دچار نشود، نیازمند همکاری با بازیگران مؤثر در امنیت منطقه و در رأس آن‌ها جمهوری اسلامی ایران است. به همین جهت ایران نقش مؤثری در موضوعات امنیتی طرح کمربند و جاده دارد. ایران در سال‌های اخیر توانسته است امنیت را به سایر کشورهای منطقه صادر کند (صالح‌فرد، ۱۴۰۰) و این موضوع در آینده نیز همچنان مهم خواهد بود؛ زیرا منطقه غرب آسیا همچنان مستعد شرایط و کشمکش‌های جدید امنیتی است. حفظ امنیت منطقه غرب آسیا به‌طور کلی در جهت تأمین منافع چین در طرح کمربند و جاده است و چین در این زمینه به همراهی ایران در منطقه احتیاج خواهد داشت.

موضوع دیگر درباره اهمیت امنیتی ایران در ابتکار کمربند و راه، مسئله آمریکا با بیش از پنج دهه حضور در منطقه غرب آسیا است. حضور آمریکا پس از جنگ اول خلیج فارس با استقرار حجم زیادی از نیروهای نظامی همراه بود. اینکه آمریکا نیروهای نظامی خود را در منطقه غرب آسیا مستقر ساخته است به‌خودی‌خود منافع چین را در خطر قرار نمی‌دهد؛ زیرا چین در تقسیم کاری

نانشته با آمریکا، حضور نظامی آمریکا را به رسمیت شناخته و آمریکا نیز حضور اقتصادی چین را به طور رسمی پذیرفته است. چین در راستای سیاست رئالیسم تدافعی خود، به دنبال افزایش سطح تنش نظامی با آمریکا در مناطق دیگر جهان نیست؛ مگر در مناطقی که به منافع مستقیم خود مربوط باشد؛ مانند دریای جنوبی چین که این کشور در آنجا منافع مستقیم و حیاتی دارد.

بنابراین چین به دنبال درگیری نظامی با آمریکا یا تحریک نیروهای نظامی آمریکا در غرب آسیا نیست، بلکه از جهاتی دیگر، حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا به نفع چین است؛ زیرا حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا باعث می‌شود تا تمرکز نظامی آمریکا از شرق آسیا برداشته شود و این در راستای سیاست قدیمی چینی‌ها دشمن را در جایی دورتر از مرزهایشان مشغول می‌کردند.

نتیجه‌گیری

تقابل آمریکا و چین در ابتکار کمربند و راه تنها اقتصادی نیست؛ بلکه ابعاد امنیتی، سیاسی و ژئوپلیتیک هم دارد. این تقابل بر مبنای رویکرد واقع‌گرایانه‌ای است که در آن دو کشور درصدد افزایش قدرت و ایجاد امنیت برای خود هستند. تقابل آمریکا و چین ذیل ابتکار کمربند و راه به شدت متأثر از ژئوپلیتیک است و همین وابستگی به ژئوپلیتیک باعث شده تا پای دیگر بازیگران منطقه‌ای نیز به این تقابل باز شود. جمهوری اسلامی ایران از جمله بازیگرانی است که به دلیل حضور در جغرافیای طرح، در این تقابل نقش تأثیرگذاری دارد. تقابل آمریکا و ایران از یک‌طرف و همراهی ایران و چین از طرف دیگر باعث شده است ایران نقشی اثرگذار در فرایند تقابل داشته باشد. ایران کشوری قدرتمند و متکی به ظرفیت‌های داخلی است. جایگاه ژئوپلیتیک و سیاسی ایران، بدون جایگزین است و به همین دلیل دو طرف تقابل نمی‌توانند از ایران چشم‌پوشی کنند.

ابتکار کمربند و راه که با هدف خارج ساختن چین از بن‌بست مرزهای غربی این کشور طراحی شده است نیازمند شرکای مطمئنی در مسیر است تا تداوم حرکت به سمت غرب تضمین شود. حضور در غرب آسیا بدون همراهی ایران کار چین را برای پیشبرد این طرح دشوار خواهد کرد؛ پس این کشور با طرح‌هایی

همچون قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، به دنبال ایجاد تفاهمی بلندمدت با ایران است.

روابط ایران و چین پس از جنگ جهانی دوم همواره متأثر از روابطشان با آمریکا بوده است؛ اما در سال‌های اخیر روابط ناشی از سیاست تقابلی چین و آمریکا به‌اندازه‌ای پیچیده شده است که دیگر رابطه ایران و چین متأثر از رابطه آمریکا و چین نیست و تاحدی به سمت استقلال حرکت کرده است. چین تصور نمی‌کند که نزدیکی به ایران باعث اقدام آمریکا علیه آن خواهد شد، بلکه برعکس همراهی با ایران را در راستای امنیت ملی خود می‌داند؛ زیرا ایران از مسیر خشکی سدی امنیتی در مقابل گسترش حضور آمریکا به سمت شرق ایجاد نموده است. در سال‌های اخیر فاصله میان سیاست و اقتصاد کاهش پیدا کرده است و چین و آمریکا علی‌رغم رقابت‌هایشان، اولین شرکای تجاری یکدیگر هستند. ایران در شرایطی که در جنگ اقتصادی با آمریکا قرار دارد، برای گسترش بیشتر روابط با چین، خواهان عمق بخشیدن به طرح‌های مشترک اقتصادی خود با چین است؛ ضمن اینکه می‌تواند با دیگر کشورها نیز برنامه مشترک اقتصادی داشته باشد؛ اما چین ظرفیت‌های ویژه‌ای دارد که سایر کشورها کمتر از آن‌ها برخوردار هستند.

حضور ایران در طرح کمربند و راه افزایش اثرگذاری سیاسی ایران را در جغرافیای این طرح را تقویت می‌کند. علاوه بر آن، عبور مسیرهای ترانزیتی شرق به غرب و شمال به جنوب از ایران، باعث اهمیت افزایش امنیت ایران خواهد شد. به‌طور کلی می‌توان نقش ایران را در تقابل آمریکا و چین، متأثر از تعامل ایران با هر یک از طرف‌های تقابل دانست، به‌طوری‌که اگر آمریکا به رویکرد خصمانه نسبت به ایران ادامه دهد، نتیجه‌اش نزدیکی بیشتر ایران و کشورهای شرقی و متضرر شدن بیشتر غرب خواهد شد. البته ایران نباید خود را به‌طور کامل در پازل شرق تعریف کند؛ بلکه باید بتواند از دو طرف تقابل امتیازهایی به نفع منافع ملی خود به دست آورد.

منابع

- جکسون، رابرت؛ سورنسون، گئورگ (۱۳۸۳)، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده و حسن سعیدکلاهی، تهران: میزان.
- خضری، رؤیا (۱۳۹۰). مقایسه مواضع استراتژیک آمریکا و چین در حوزه سیاسی امنیتی، *نشریه رویدادها و تحلیل‌ها* (منتشرشده در www.noormags.ir)، (۲۵۷)، ۵۷-۶۱.
- رضاپور، دانیال، سیمبر، رضا (۱۳۹۸). ابتکار جاده نوین چین؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران، پاکستان و قزاقستان، *نشریه علمی مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۱ (۱)، ۱۸۵-۱۵۷.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۱)، عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین، *فصلنامه روابط خارجی* (۱۴)، ۱۷۹-۲۱۰.
- طابنده، سمیرا. متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، عملگرایی مرحله‌ای در روابط ایران و چین ۲۰۰۱-۲۰۱۰، *نشریه علمی علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج* (۱۳)، ۵۲-۲۵.
- غیاثوند، ابوالفضل (۱۳۹۸). *مجموعه مقالات چین: استراتژی‌های آینده چین*، ۲ جلد، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۷). *روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: سمت.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۹)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.
- منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۹۳)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*. تهران: سمت.
- میرترابی، سعید. ترکی، هادی (۱۳۹۹). طرح جاده ابریشم جدید و رویکرد انرژی محور چین در آسیای میانه. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۱۳، شماره ۳ - شماره پیاپی ۵۱.
- China's thirteenth five-year plan (2016), For Economic and Social Development of The People's Republic of China (2016-2020). <http://https://en.ndrc.gov.cn>. Accessed 10 May 2021.
- Clinton, Hillary Rodham (2011), Remarks at the New Silk Road Ministerial Meeting, September 22. <https://2009-2017.state.gov/secretary/clinton/rm.htm>. (Accessed 10 May 2021).
- Dupont, Alan (2020). MITIGATING THE NEW COLD WAR: Managing US-China trade, tech and geopolitical conflict. The Centre for Independent

Studies.

- Indyk, Martin and Micheal Hanlon (2012) *Bending History: Barak Obama's Foreign Policy*, Washington D.C.: Brookings Institution Press.
- Kaplan, Robert D, *The South China Sea Is the Future of Conflict*, foreignpolicy, <http://foreignpolicy.com/2011/08/15/the-south-china-sea-is-the-future-of-conflict/> (Accessed April 27, 2021).
- Md Nazirul Islam Sarker & Md Altab Hossin & Xiaohua Yin & Md Kamruzzaman Sarkar (2018), *One Belt One Road Initiative of China: Implication for Future of Global Development*. *Modern Economy - SCIRP*. (Accessed 9 May 2021).
- National Security Strategy (NSS), 2017. <https://www.whitehouse.gov/>
- National Security Strategy (NSS), 2021. <https://www.whitehouse.gov/>
- OECD (2018), *China's Belt and Road Initiative in the Global Trade, Investment and Finance Landscape*. [www.oecd.org/finance.Chinas-Belt-and-Road-Initiative-in-the-global-tr.](http://www.oecd.org/finance/Chinas-Belt-and-Road-Initiative-in-the-global-tr/) (Accessed 9 May 2021).
- Trubowitz Peter, Kupchan Charles, *A China Strategy to Reunite America's Allies*, 7 JANUARY 2021, <https://www.chathamhouse.org/2021/01/china-strategy-reunite-americas-allies> . (Accessed 21 JANUARY 2021).
- [Xi Jinping's Important Speech at the Peripheral Diplomacy Work Conference]", Xinhua News Agency, 25 October 2013, http://news.xinhuanet.com/politics/2013-10/25/c_117878897.htm, (Accessed 9 May 2021).
- Zimmerman, Thomas (2015), *The New Silk Roads: China, the U.S., and the Future of Central Asia*. New York University. <https://cic.nyu.edu/> . (Accessed 10 May 2021).

مصاحبه‌ها

- خرمشاد، محمدباقر (۱۴۰۰)، تهران: شورای راهبردی روابط خارجی.
- دولتیار، مصطفی (۱۴۰۰)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- رودگر، علیرضا (۱۴۰۰)، پکن: مصاحبه غیرحضوری.
- صالح فرد، منصور (۱۴۰۰)، تهران: وزارت امور خارجه.
- علمایی فر، ابوالفضل (۱۴۰۰)، تهران: اداره چین وزارت امور خارجه.
- عمویی، ابوالفضل (۱۴۰۰)، تهران: کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شورای اسلامی.
- کاملی، عیسی (۱۴۰۰)، تهران: اداره آمریکای وزارت امور خارجه.
- محمدی سیرت، حسین (۱۴۰۰)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).